



توقف مذاکرات ایران و آمریکا

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که به مسقط سفر کرده است، درباره مسائل منطقه و همچنین مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا صحبت کرد. عراقچی درباره سفر به عمان گفت: سفر به مسقط در رابطه با مسائل منطقه است و رابرتی نسبت به آنچه در منطقه می‌گذرد، آمادگی کامل برای هر سناریویی داریم ولی مسلماً خواهان افزایش تنش و جنگ نیستیم. او همچنین گفت: در این موضوع با دوستان خود در عمان اشتراک‌نظر داشتیم و بحث‌هایی که با همتای خود در عمان داشتیم، بسیار مفید و سازنده بود. عراقچی در ادامه و درباره «روند مسقط» گفت: عمان همیشه در حل مشکلات منطقه کمک بزرگی بوده و در رابطه با ایران و آمریکا همواره سعی داشته برای انتقال پیام یا ایجاد زمینه برای مذاکرات نقش مثبتی را ایفا کند. وزیر خارجه ایران تصریح کرد که «این نقش آفرینی از قبل وجود داشته و در دولت گذشته نیز این موضوع وجود داشت که به روند مسقط معروف است.» او در این زمینه ادامه داد: در حال حاضر روند مسقط به دلیل شرایط خاص منطقه متوقف است و الان زمینه‌ای برای این گفت‌وگوها نمی‌بینیم تا زمانی که بتوانیم بحران جاری را پشت سر بگذاریم و آن موقع تصمیم خواهیم گرفت که آیا وارد کار مجدد شویم یا نشویم و یا اینکه روند کار چگونه باشد. این دیپلمات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه «در این سفر تماسی نبوده است»، ادامه داد: این که بیامی به کشورهای دیگر داده شود، بله من در همه مشورت‌ها و رایزنی‌ها در کشورهای منطقه مواضع ایران را با قوت بیان کردم و خواستم که به اطلاع همه طرف‌ها برسد، هم آمریکا باید بداند موضع ایران چیست، هم کشورهای اروپایی و هم کشورهای منطقه؛ موضع ما روشن است.



اتهامات بورل به ایران

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با گفتن این که این نهاد اروپایی خواستار آتش‌بس فوری در غزه و لبنان است، گفت پیشنهاداتی برای تحریم ایران با ادعای ارسال موشک به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین مطرح است. مسئول سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا در پاسخ به اینکه آیا اتحادیه اروپا قصد دارد تحریم‌هایی را به اتهام تحویل موشک‌ها از سوی ایران به روسیه اعمال کند، گفت: پیشنهاد آن مطرح شده است که از تأیید شدن آن حمایت می‌کنم. الان نمی‌توانم چیزی درباره آن بگویم. غرب مدعی تحویل موشک‌های بالستیک از ایران و روسیه، بی‌اساس تلقی و رد شده است. ایران تأکید کرده موضع آن نسبت به جنگ اوکراین تغییری نکرده و بر خلاف غرب که به مداخله نظامی آشکار در جنگ اوکراین می‌پردازد، از هیچ یک از طرفین جنگ حمایت نمی‌کند. مقامات ایران آمادگی خود را برای میانجیگری مذاکرات صلح میان کی‌یف و مسکو اعلام کرده‌اند. او همچنین در پاسخ به این سوال که آیا اتحادیه اروپا قرار دادن نام سپاه پاسداران ایران در فهرست سازمان‌های تروریستی را بررسی می‌کند یا نه؟ گفت که «پیشنهاد آن مطرح شده و کارگروه‌ها در حال بررسی این موضوع هستند. فکر نمی‌کنم امروز تصمیمی اتخاذ شود.» بورل سال گذشته، در حاشیه یکی دیگر از نشست‌های وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا گفته بود که برای این اقدام ضدایرانی باید مبنایی قانونی وجود داشته باشد و دادگاهی در یکی از کشورهای عضو شواهدی دال بر فعالیت‌های تروریستی سپاه پاسداران ارائه کند. بورل گفته بود: نمی‌شود بگوییم چون از شما خوشمان نمی‌آید، تروریست می‌خوانیم‌تان.

فصلی جدید در رویکرد دشمن در ناسازگاری با حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مرتبط است.» در واکنش به این اظهارات، آندریا تننتی، سخنگوی یونینفل به‌روزنامه‌الجمهوریه لبنان گفت، وضعیت نیروهای یونینفل در لبنان در روزهای اخیر مخصوصاً پس از تجاوزات رژیم صهیونیستی در ۳ روز گذشته به مراکز آنها نگران‌کننده است. اما یونینفل با وجود این تجاوزات، تصمیم گرفته بنا به درخواست شورای امنیت بماند و به درخواست این شورا جواب دهد نه برخی طرف‌های عضو آن. اسرائیل از ابتدا با حضور نیروهای یونینفل در جنوب لبنان مخالف بود و آنها را مزاحم عملیات خود در این منطقه تلقی می‌کرد. این مخالفت پس از صدور قطعنامه ۱۷۰۱ بیشتر شد، چراکه اسرائیلی‌ها معتقد بودند که دولت لبنان در هماهنگی با حزب الله جلوی قرار گرفتن ماموریت یونینفل در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد را گرفته است و به همین دلیل این نیروها توانایی ایجابی برای عملیات علیه حزب‌الله در جنوب لبنان را ندارند. اسرائیل معتقد است که نفع‌تها یونینفل کمکی به عقب‌نشینی حزب‌الله از جنوب لبنان نمی‌کند، بلکه عملاً سبب برای عملیات حزب‌الله در جنوب لبنان ایجاد می‌کند.

خط آبی

خط آبی که در قطعنامه ۱۷۰۱ مورد اشاره قرار گرفته است، به سرحداتی اشاره می‌شود که از سال ۲۰۰۰ از سوی سازمان ملل متحد به عنوان مرز موقت علامت‌گذاری شده میان لبنان و اسرائیل برای عقب‌نشینی از خاک لبنان معرفی شد. از آنجا که اسرائیل و لبنان روابط دیپلماتیک با یکدیگر ندارند، هنوز هیچ مذاکره‌ای برای تعیین سرحدات مرزی میان دو طرف انجام نشده است و سرحدات تعیین شده براساس اسناد بین‌المللی تعریف شده است. به همین دلیل خط آبی توسط سازمان ملل به عنوان یک مرز موقت تعریف شده است تا زمانی که دو طرف بتوانند در مورد مرزها به توافق برسند، محل قرار گرفتن نیروهای نظامی دو طرف را تعیین کند. حزب‌الله لبنان همواره اعلام کرده است که آمادگی دارد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت را به صورت کامل اجرایی کند، اما یکی از اصلی‌ترین دلایلی که باعث می‌شود حزب‌الله در جنوب رودخانه لیتانی باقی بماند «استمرار اشغال خاک لبنان توسط اسرائیل» است. این نظر حزب‌الله با پشتیبانی دولت لبنان همراه است. دولت لبنان هم مانند حزب‌الله معتقد است که آغاز اجرای کامل قطعنامه ۱۷۰۱ فقط با توقف کامل درگیری‌ها و خروج نظامیان اسرائیل از خاک لبنان امکان‌پذیر خواهد شد. نبی‌زاده، رئیس پارلمان لبنان زمستان گذشته در دیدار با جوزپ بورل، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر این نکته تأکید کرد و گفت: «لبنان به اجرای کامل قطعنامه ۱۷۰۱ پایبند است و

نقطه ورود به اجرای آن با توقف تجاوزات و عقب‌نشینی اسرائیل از کل اراضی اشغالی لبنان آغاز می‌شود.» عبدالله بوحبیب، وزیر خارجه لبنان هم زمستان گذشته در استانه ورود آموس هوکشتاین، فرستاده ویژه آمریکا به لبنان به روزنامه‌الجمهوریه لبنان گفت که «موضع دولت لبنان با حزب‌الله یکسان است» و نفع‌تها ضرورت عقب‌نشینی اسرائیل به جنوب خط آبی را مورد تأکید قرار داد، بلکه یک گام فراتر نهاد و تأکید کرد که پایان اشغال خاک لبنان به معنای عقب‌نشینی اسرائیل به پشت خط سبز (خط ترک‌تخاصم ۱۹۴۸) است. در حال حاضر دست کم ۱۳ یا ۱۴ نقطه مورد اختلاف در مورد اشغال خاک لبنان توسط اسرائیل وجود دارد. مناطقی مانند روستای غجر و مزارع شبعاء در مناطق جولان اشغالی، بلندی‌های کفر شوبا، بلندی‌های نقطه B1 در خط آبی و چندین نقطه دیگر از سوی دولت لبنان به عنوان مناطق اشغال شده توسط اسرائیل تلقی می‌شود. اختلاف‌ها در برخی نقاط گاهی به چند متر و در برخی نقاط دیگر مانند مزارع شبعاء به ۲۵ کیلومتر مربع می‌رسد. در برخی از نقاط مانند روستای غجر، نیروهای یونینفل ادعای ارضی لبنان را تأیید می‌کنند و تأکید می‌کنند که دیوار بتنی مرزی اسرائیل از خط آبی عبور کرده است و بخش‌هایی از خاک لبنان را در بر گرفته است. مناطقی که در منطقه جولان اشغالی قرار دارند وضعیت پیچیده‌تری نسبت به نقاط مورد اختلاف دیگر دارند، چراکه سوریه نیز نسبت به بسیاری از این مناطق ادعای ارضی دارد. برای مثال اغلب ساکنان روستای غجر که خط آبی از میان آن می‌گذرد، شهروند سوریه هستند و تبار سوری دارند، در عین حال بسیاری از این افراد که در بخش جنوبی روستای غجر زندگی می‌کنند در طول سالیان گذشته با سپورت اسرائیلی دریافت کرده‌اند. در حالی که خط عقب‌نشینی ۲۰۰۰ از میان روستای غجر می‌گذرد، خط ترک‌تخاصم ۱۹۴۸ کل روستای غجر را در خاک لبنان قرار می‌دهد. بعد از آغاز درگیری‌های سال گذشته در شمال مناطق اشغالی و دستور دولت اسرائیل برای تخلیه مناطق مرزی، اهالی روستای غجر از بیم شهرک‌سازی یهودی در روستایشان حاضر به ترک روستایشان شدند. اهالی این روستا خود را همچنان سوری می‌دانند. برای تعیین وضعیت این روستا و مزارع شبعاء، باید دست‌کم اختلاف‌های مرزی میان سوریه و لبنان و همچنین وضعیت اشغال بلندی‌های جولان توسط اسرائیل تعیین تکلیف شود.

به نظر نمی‌رسد مادی که وضعیت این نقاط اختلافی مشخص نشده باشد، امکان اجرای مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ میسر شود. در عین حال دولت اسرائیل هم تمایلی به حل و فصل این موضوع ندارد و گروه‌های افراطی در اسرائیل تأکید می‌کنند که بهتر است به جای مذاکره برای رفع اختلاف‌های مرزی، با استفاده از نیروی نظامی حزب‌الله را از مناطق مرزی دور کرد و سلطه اسرائیل را بر مناطق مورد اختلاف حفظ کرد. اساف اوربوی، ژنرال بازنشسته ارتش اسرائیل در یادداشتی برای اندیشکده مؤسسه واشنگتن، با اشاره به درخواست‌هایی که برای حل و فصل دیپلماتیک اختلاف‌های مرزی شده است، می‌نویسد: «آدان چنین امتیازهایی به معنای مشوق دادن به تهاجم‌های حزب‌الله در کوتاه‌مدت است و در بلندمدت باعث خشونت‌های بیشتر می‌شود. پیشنهاد کنونی فقط این است که اسرائیل امتیازهای سرزمینی جدی بدهد و در برابر فقط شاهد جابه‌جایی محدود حزب‌الله باشد که به سادگی قابل به عقب‌برگرداندن است.»

به حملات گسترده اسرائیل به ارکان رهبری حزب‌الله می‌گوید: «در حال حاضر حزب‌الله در چنان وضعیت نامناسبی قرار گرفته است و امکانات ارتباطی اش از بین رفته است که تردید وجود دارد اساساً بتوان به توافقی رسید که توسط هر دو طرف قابل قبول باشد. اگر قرار بود قطعنامه اجرا می‌شد، باید سال‌ها پیش اجرا می‌شد.» حنین غدار، پژوهشگر اندیشکده مؤسسه واشنگتن می‌گوید که از نظر اسرائیل قطعنامه ۱۷۰۱ دیگر کافی نیست. وی معتقد است: روشن است که اسرائیل می‌خواهد حزب‌الله را نابود کند و واقعیت میدانی جدید ایجاد کند. «راند اسلیم، پژوهشگر اندیشکده مؤسسه خاورمیانه هم می‌گوید: «برخی از وزرای راست‌گرای افراطی دولت اسرائیل به فکر اشغال کامل جنوب لبنان یا دست‌کم بخش بزرگی از آن هستند.» وی می‌گوید: «در شرایط کنونی فکر نمی‌کنم جامعه بین‌الملل توانایی فشار کافی به دولت اسرائیل یا ایالات متحده برای توقف عملیات نظامی در جنوب لبنان وارد کنند.»

اجرای قطعنامه ۱۷۰۱

اما موفقیت عملیات اخیر اسرائیل علیه فرماندهان حزب‌الله باعث شده است تا تعدادی از تحلیل‌گران و کارشناسان هوادار اسرائیل شرایط جاری را موقعیت مناسبی برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ بدانند. این عده از تحلیل‌گران معتقدند که با تضعیف ارکان حزب‌الله، اسرائیل به سرعت می‌تواند با استفاده از دست‌بالا در میدان جنگ اراده خود را برای عقب‌راندن و خلع سلاح حزب‌الله لبنان غالب کند. مایکل روبین، پژوهشگر اندیشکده مؤسسه آمریکن اینترپرایز در یادداشتی می‌نویسد: «اگر سازمان ملل و لبنان نمی‌خواهند شبکه تسلیحاتی حزب‌الله را از بین ببرند، دیگر گزینه‌ای برای اسرائیل باقی نمی‌ماند جز اینکه خودش رأساً این کار را انجام دهد. اینگونه نیست که آتش‌نشانی ۸۰ درصد از آتش در جنگل را فروشانند و بعد به خانه‌شان بازگردند.»

اساف اوربوی، ژنرال بازنشسته ارتش اسرائیل در یادداشتی برای اندیشکده مؤسسه واشنگتن می‌نویسد: «با توجه به چالش‌های موجود، به نظر می‌رسد که دیپلماسی فقط می‌تواند در بهترین حالت نتایج محدودی به بار بیاورد. در نتیجه ضروری است اسرائیل به اقدام‌های نظامی یکجانبه خود ادامه دهد تا حزب‌الله نیروهای خود را با دست‌کم نیروهای یگان‌های رضوان را از خط آبی دور کند. هر چند این اقدام چه شامل عملیات محدود تضعیف و توقف باشد چه شامل حمله گسترده تهاجمی باعث می‌شود که آرامش لازم برای بازگشت شهروندان به شمال اسرائیل از بین برود.»

نیروهای موقت سازمان ملل

نیروهای موقت سازمان ملل متحد در لبنان یا به اختصار UNIFIL علی‌رغم عنوان «موقت» بیش از ۴۰ سال است که در خاک لبنان مستقر هستند. این نیروها نخستین بار بر اساس قطعنامه ۴۲۵ در پی تجاوز نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان به بهانه مبارزه با عملیات نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین شکل گرفتند. هدف از استقرار یونینفل در جنوب لبنان تأیید خروج کامل نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان، برقراری صلح و امنیت و احیای حاکمیت ملی کامل لبنان بر جنوب لبنان بود. سال ۲۰۰۶ و پس از پایان جنگ ۳۳ روزه، ماموریت‌های جدید یونینفل بر مبنای قطعنامه ۱۷۰۱ تعریف شد که شامل نظارت بر ترک‌تخاصم، همراهی با نیروهای مسلح لبنان در جنوب لبنان و امتداد خط آبی هم‌زمان با عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان، کمک به امداد رسانی بشردوستانه به شهروندان غیرنظامی و کمک به بازگشت آوارگان به جنوب لبنان، کمک به نظامیان لبنان برای خالی کردن منطقه جنوب لبنان از خط آبی تا رودخانه لیتانی از هرگونه پرسنل مسلح و تجهیزات نظامی به جز یونینفل و ارتش لبنان و کمک به دولت لبنان برای حفاظت از مرز یا هر گذرگاه دیگر برای جلوگیری از ورود سلاح به وظایف یونینفل اضافه شد. در حال حاضر یونینفل حدود ۱۰ هزار نیرو از ۴۶ کشور جهان در اختیار دارد که سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار بودجه آن از طریق سازمان ملل تأمین می‌شود. ماموریت یونینفل به صورت شش‌ماهه توسط شورای امنیت تمدید می‌شود و بودجه آن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب می‌شود.

حملات گسترده اسرائیل به جنوب لبنان فقط غیرنظامیان لبنانی را تحت تأثیر قرار نداده است. در دو هفته گذشته دست‌کم ۳ مورد حمله مستقیم نظامیان اسرائیلی به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در جنوب لبنان گزارش شده است. براساس گزارش‌ها در حمله روز پنج‌شنبه هفته گذشته اسرائیل به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد ۲ نیروی یونینفل، در حمله روز جمعه ۲ نیروی دیگر و در حمله روز شنبه یک نیروی دیگر یونینفل مجروح شدند. در طول ۴۶ ساله که از تشکیل یونینفل می‌گذرد، پرسنل این نیروها بارها هدف حملات مرگبار اسرائیل یا متحدانش از جمله نیروهای موسوم به «ارتش جنوب لبنان» قرار گرفته‌اند. بسیاری از کشورهای جهان حملات اخیر اسرائیل را به یونینفل محکوم کرده‌اند و مقام‌های یونینفل این حمله‌ها را عمدی توصیف کرده‌اند. تحلیل‌گران می‌گویند که حمله به تاسیسات ستاد یونینفل در شهر نافوره نمی‌تواند حمله‌ای تصادفی باشد، چراکه ستاد یونینفل دهه‌هاست در همین مکان قرار دارد و تاسیساتی بزرگ و علنی است.

اظهارات روز یک‌شنبه بنیامین نتانیاهو که از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار بیرون بردن نیروهای یونینفل از جنوب لبنان شده بود و این نیروها را «سپر انسانی» حزب‌الله عنوان کرده بود، نشان می‌داد که اسرائیل عملاً با این حملات خواهان هشدار به نیروهای یونینفل و تهدید آنها برای خروج از منطقه شده است. بنیامین نتانیاهو در پیامی ویدئویی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد گفت که «خودداری نسبت به عقب‌نشینی نیروهای یونینفل آنها را به گروگان حزب‌الله تبدیل می‌کند و در عین حال جان آنها و جان سربازان ما را به خطر می‌اندازد.» نجیب میقاتی، نخست‌وزیر لبنان در واکنش به این اظهارات تأکید کرد: «درخواست برای عقب‌نشینی نیروهای یونینفل



قطعنامه‌ای متعلق به شرایط خاص

الیاس هانا، ژنرال بازنشسته ارتش لبنان به اسوشیتدپرس می‌گوید: «این قطعنامه متعلق به شرایط و زمینه خاصی است. زمان زیادی گذشته است و ماهیت این قطعنامه از میان تهی شده است.» وی می‌گوید: «بین طرف‌های مختلف باید شرایطی ایجاد شود که هر طرف احساس کند دستاوردی داشته است، وگرنه نمی‌توان طرفی را پای میز مذاکره آورد، مگر اینکه کاملاً شکست خورده یا نابود شده باشد.» جوزف باهوت، رئیس مؤسسه عصام فارس برای سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه آمریکایی بیروت می‌گوید: «نیروهای یونینفل سازمان ملل متحد، مانند هر نیروی حافظ صلح دیگری که هیچ اختیاری نداشته باشد، در طول زمان کاملاً از بین رفته است. این نیروها حتی اجازه ندارند بدون هماهنگی با ارتش لبنان منطقه را بازرسی کنند.» باهوت به اسوشیتدپرس می‌گوید: «اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ با صدها چیز دیگر گره خورده است. حل و فصل منازعه در منطقه بازتابی از موازنه قوا و زمینه‌های سیاسی خواهد بود.»

ژان سباستین گیوم، بنیان‌گذار مؤسسه سلتیک اینتلیجنس می‌گوید: «وضعیت امروز خیلی متفاوت است. قطعنامه ۱۷۰۱ مرتبط با شرایط کنونی نیست. حزب‌الله به‌رغم تلاش‌ها برای خلع سلاح قدرتمند و مسلح باقی مانده است. دولت لبنان چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی بسیار ضعیف‌تر از آن است که بتواند مفاد قطعنامه را اجرایی کند. نهایتاً اینکه یونینفل به‌رغم تمدید یک‌ساله ماموریتش از ابزارهای کافی برای برقراری آرامش کامل در میدان بر خورده نیست.»

حنین غدار، پژوهشگر اندیشکده مؤسسه واشنگتن معتقد است که اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ برای صلح در جنوب لبنان کافی نیست. وی می‌نویسد: «قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل پایدار نیست، چرا که هیچ اقدام تنبیهی [برای نقض آن] در نظر گرفته نشده است و حزب‌الله نهایتاً آن را نقض خواهد کرد. در نتیجه سیاست بلندمدت باید بعد از آتش‌بس به شکلی طراحی شود که حزب‌الله را در لبنان مهار کند، مسیر ارسال تسلیحات به این گروه توسط تهران از مسیر عراق و سوریه را مسدود کند و به دولت لبنان کمک کند تا حاکمیت ملی خود را در تصمیم‌گیری برای جنگ و صلح به دست بیاورد.»

فادی عصفار، هم‌بنیان‌گذار مؤسسه مطالعاتی میدل‌ایست استراتژیک پرسپکتیو معتقد است که اسرائیل حاضر نیست به چیزی جز شکست نظامی و نابودی کامل حزب‌الله رضایت بدهد و در واقع خواستار اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ به شکلی که باعث باقی ماندن ارکان حزب‌الله شود، نیست. عصفار به پایگاه خبری دیس‌ایز بیروت می‌گوید: «سوال این است که آیا دولت نتانیاهو که حاضر شد گروگان‌های خود را قربانی کند تا آزادی عمل خود را در مقابل حماس حفظ کند، حاضر می‌شود [به ازای اجرای قطعنامه] اهداف خود را برآی نابود کردن حزب طرفدار ایران برآورد تا امکان بازگشت آوارگان به شمال اسرائیل فراهم شود؟» این تحلیل‌گر مسائل منطقه می‌گوید: «به لحاظ عملی سازوکار قطعنامه ۱۷۰۱ همان وضعیت پس از جنگ ۲۰۰۶ [۳۳ روزه] را فراهم می‌کند که نهایتاً باعث شد تا وقایع اکتبر ۲۰۲۳ رخ دهد.»

کریم بیتار، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه سنت ژوزف بیروت معتقد است که قطعنامه ۱۷۰۱ دیگر کفایت نمی‌کند و به نظر می‌رسد که اسرائیل و ایالات متحده آمریکا «رویکرد افراطی در پیش گرفته‌اند و خواستار خلع سلاح کامل حزب‌الله هستند.» وی با اشاره